

قبر سبز، مدفن سید نظام الدین علیشاه موسوی

اسماعیل رضایی برجکی

بنیاد پژوهشهای اسلامی - گروه تراجم و انساب

چکیده

تاریخ دریافت: ۸۸/۵/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۸۸/۷/۱۰

قبر سبز متعلق به نظام الدین علیشاه فرزند محمد از نسل حمزة بن موسی الکاظم علیه السلام که تا چند سال پیش در حاشیه بازار حاج آقاخان، مورد زیارت و احترام عموم بود، اکنون در انتهای شمال باغ رضوان - شمال غربی حرم مطهر رضوی - قرار گرفته است. با این حال تاکنون هویت مدفون در آن به درستی شناخته نبود که با مراجعه به اسناد تاریخی و بازخوانی سنگ قبر وی توسط گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهشهای اسلامی، این بازشناسی تا حد قابل توجهی انجام گرفت.

کلید واژه‌ها: قبر سبز، حرم امام رضا علیه السلام، نظام الدین علیشاه، قتلگاه شهید.

ارزشمند نصب شده بر قبور آنها ضمن معرفی این شخصیت‌ها می‌توانستند گوشه‌هایی از گذشته فرهنگ و تمدن این سرزمین را معرفی نمایند، اما در جریان طرح‌های توسعه پیرامون حرم مطهر که از آغاز سده اخیر در چند نوبت و اغلب بدون دغدغه حفظ میراث گرانبهای گذشتگان

قبرستان قتلگاه در شمال حرم مطهر رضوی، از عرصه‌های تاریخی و باستانی مشهد مقدس محسوب می‌شود و طی سده‌های متوالی میزبان انبوهی از مدفونین این دیار بوده است، که برخی در شمار چهره‌های برجسته علمی، سیاسی و اجتماعی هستند. لوحه‌های کوچک و بزرگ و گاه

انجام شد؛ بسیاری از این قبور و لوحه‌های آن چون انبوهی دیگر از آثار از بین رفت. تنها در این میان، تنها تعداد کمی توانستند از این تپاول جان سالم به در برند و خود را به ما برسانند. یکی از این اندک‌ها، سنگ قبر نظام‌الدین علی‌شاه موسوی است که با تبدیل شدن به یکی از مزارات مورد احترام عموم، از این حوادث سالم بیرون آمد.

پیشینه قبرستان قتلگاه

در وجه تسمیه این قبرستان چندین نظر ارائه شده است. برخی گفته‌اند چون کشته‌های حمله مغولان یا ازبکان را در آن دفن کردند، به قتلگاه موسوم گردید. یا آن که چون در حملات مزبور، مردم این قسمت از شهر کشته شدند و مردم محله‌ای دیگر سالم ماندند، این‌جا به قتلگاه و آن یکی به عیدگاه مشهور گردید.^۱ اما با توجه به این‌که پیش از عهد مغول و ازبکان نام قتلگاه در منابع وجود دارد، این نظر دقیق نمی‌باشد. به نظر می‌رسد، چون بسیاری دیگر از شهرهای ایران، که دو مکان عیدگاه و قتلگاه داشته‌اند،

در مشهد هم عیدگاه به مراسم جشن و سرور اختصاص داشت و قتلگاه محل انجام مراسم قربانی، نذورات و عبادت بود. چه بسا همین اعتبار مذهبی، باعث شد که قتلگاه به قبرستان عمومی تبدیل گردد و در نتیجه طبیعی بود افرادی که در تهاجم‌ها به شهر - که در چندین نوبت و دوره‌های مختلف صورت گرفته است - کشته می‌شدند، در آن دفن شوند و نام قتلگاه با اعتباری جدید ادامه حیات دهد.

بنا به قولی غسل پیکر مطهر حضرت رضا علیه السلام در این محل صورت گرفته و به همین دلیل به آن مغسل الرضا یا غسلخانه هم می‌گویند.^۲ همچنین گفته شده، اراضی این قبرستان را امام رضا علیه السلام از محل فروش قرآنی که خود کتابت کرده بودند، خرید و آن را وقف بر قبور مسلمانان نمود.^۳ هر چند این روایات دارای سند معتبری نیست و پیشینه آن‌ها حداکثر به قرن یازدهم و عصر صفویه می‌رسد؛ اما موجب افزایش احترام و جایگاه این قبرستان نزد مؤمنان و علاقه‌مندی بیشتر

۲. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، ص ۱۴؛ علی شریعتی، راهنمای خراسان، ص ۱۳۳.
۳. قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ج ۱ ص ۵۵؛ گلستان هنر، ص ۱۴-۱۵.

۱. ملا هاشم خراسانی، منتخب التواریخ، ص ۶۱۶؛ نوروزعلی بسطامی، فردوس التواریخ، ص ۳۶.

برای دفن در آن می‌شد.

قدیم‌ترین گزارش موجود که به عنوان قتلگاه اشاره دارد، گفته مؤلف تاریخ بیهق است که درباره مدفن شیخ طبرسی (د. ۵۴۸ق) می‌نویسد: *مرقد ابوعلی فضل بن حسن طبرسی در مشهد سناباد طوس است به قرب مسجد قتلگاه. این مسجد در سده‌های بعد به مسجد امام رضا علیه السلام شهرت یافت و در سال ۱۰۱۱ق به همت مهدی قلی بیگ میر آخورباشی تعمیر شد که کتیبه آن تا دوره قاجار وجود داشت.*^۱ از همان دوره (قرن ششم قمری) تا اوایل قرن اخیر، قتلگاه به عنوان متبرک‌ترین و معروف‌ترین قبرستان مشهد مقدس هر روز به وسعت آن افزوده شد و انبوهی از مؤمنین در آن آرام گرفتند. این وضعیت ادامه داشت تا این‌که در جریان تأسیس فلکه شمالی حرم مطهر که از سال ۱۳۰۸ش شروع گردید، بخش وسیعی از این قبور جزء این فلکه و خیابان تازه تأسیس (خیابان طبرسی) قرار گرفت و بقیه هم بعد از تسطیح، درختکاری شد و به باغ رضوان موسوم گشت. چند سال

بعد (۱۳۴۰ش) به همت آیه الله فقیه سبزواری در قسمتی از قتلگاه، صحن رضوان احداث گردید، که طبقه تحتانی آن دارای حجره‌هایی بود که به دفن اموات اختصاص یافت.^۲ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این صحن و حجره‌های آن نیز خراب گردید و تنها بخشی از آن با فضای سبزی محدود، همچنان با عنوان باغ رضوان در محدوده اماکن متبرکه و در جانب شمال غربی مرقد مطهر رضوی، موجود است.

مزار یا مزارات واقع در قتلگاه

با وجود مشاهد و قبور متعدد و متنوع با قدمت چند صد ساله در این قبرستان، کمتر بنای مفصل یا بقعه شاخصی در آن ساخته شد؛ به طوری که جز همان مسجد امام رضا علیه السلام و بقعه شیخ طبرسی بنای دیگری که توجه مورخان یا جهانگردان را به خود جلب نماید تا آن را گزارش کنند، وجود نداشته است. اما از دوره قاجار به بعد چند آرامگاه و مکان زیارتگاهی در این مجموعه معرفی شده است.

۱. محمد حسن اعتمادالسلطنه، *مطلع الشمس*، ج ۲، ص ۵۳۴؛ *منتخب التواریخ*، ص ۶۲۶.

۲. علی مؤتمن، *تاریخ آستان قدس*، ج ۲، ص ۱۶۰.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه در
۱۳۰۰ق در این باره می‌نویسد:

«در وسط قبرستان قتلگاه خانه‌ای است
که حالا معروف است به تکیه بکتاشی‌ها،
گویند این خانه همان است که منزل حضرت
رضاعلیه بود. حجره دارد که در آن حجره
سنگ سبزی است و معروف است که
حضرت شکم مبارک را بر آن سنگ
مالیده‌اند. نیز سنگ سفیدی بر دیوار آن
حجره نصب است که جای پایی در آن
مرتسم است.^۱ این هردو سنگ زیارتگاه
است.^۲»

چند سال بعد (۱۳۳۰ق) صدر المتألهین
لاهیجانی در رساله‌ای مختصر، تمام این گفته
را عیناً تکرار کرده، می‌افزاید: «قبور
بی حساب و شمار از سادات و علما و عرفا
... در آن قبرستان واقع است؛ از جمله
مزارات آن‌جا شیخ احمد است که از
اصحاب حضرت رضا بود، اسمش را سید

احمد کبیر گذاشته‌اند.»^۳

وی چند صفحه بعد توضیحات بیش‌تری
در باره این بقعه آورده، می‌گوید: «بقعه‌ای
است در میان قبرستان قتلگاه به اسم سید
احمد کبیر معروف گشته ... نمی‌دانم آیا
لوحی داشته یا نه، آیا از اولاد کدام امام باشد
معلوم نیست.»

وی اشعاری از دیوار بقعه نقل می‌کند که
نشان می‌دهد این مدفن در سال ۱۳۱۸ق
ظاهر شده بود. ^۴ ده سال بعد (۱۳۴۶ق)،
مؤلف تاریخ طوس در مورد همین بقعه
می‌نویسد:

«مقبره سید احمد همراه سه تن از اولاد
امام موسی کاظم علیه السلام در جهت شرقی قتلگاه
نزدیک بازار سنگ تراش‌ها واقع است.»^۵
او همچنین از سنگ به ظاهر تاریخی نام
می‌برد که نزدیک قبر شیخ طبرسی بوده
است.^۶

در همین سال‌ها (۱۳۰۵ش) یکی از

۳. محمد لاهیجانی (صدر المتألهین)، تاریخ و
جغرافیای شهر مشهد، ص ۶۶ و ۶۷.

۴. همان، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۵. سید محمد مهدی علوی سبزواری، تاریخ
طوس، ص ۸.

۶. همان، ص ۷.

۱. در جایی دیگر از این محل به عنوان قدمگاه

یاد شده که طبق کتیبه سنگ آن، حاجی نظر

ترکمان آن را وقف بر اولاد کرده بود. (مطلع

الشمس، ج ۲، ص ۵۵۱).

۲. مطلع الشمس، ج ۲، ص ۵۱۳.

شیعیان هند در گزارش زیارت خود به مشهد الرضا علیه السلام اطلاعاتی از زبان خدمه و مجاوران در مورد قبرستان قتلگاه و مزارات آن گردآوری نموده که هرچند دقیق نیست، اما به خوبی عقاید عموم در این باره و داستان‌های ساخته ذهن آن‌ها را نشان می‌دهد. وی نیز بقعه سید احمد را جزء اماکن زیارتی معرفی کرده، علاوه بر آن از سه سنگ متبرک به نام‌های سنگ محک، سنگ محبوب و سنگ مراد یاد می‌کند و در مورد یکی از آن‌ها می‌نویسد:

«هنگامی که امام رضا علیه السلام مسموم شدند و احساس درد شدیدی می‌کردند، سنگی برداشت و روی شکم خود حرکت می‌داد، گویا شدت درد به حدی بوده که از فشار دست حضرت، سنگ در دست حضرت خمیر شد و اثر انگشت حضرت بر آن نقش بست»^۱.

چنین می‌نماید که این، همان سنگی است که اعتمادالسلطنه به عنوان قدمگاه از آن یاد کرده است.

بنابراین از دوره قاجار تا قبل از تخریب

۱. سفرنامه بمبئی به مشهد، نسخه فیلمتک، بدون شماره صفحه، بخش اماکن زیارتی.

قتلگاه (۱۳۰۸ش) دو مورد یا دو گونه مزار در این قبرستان وجود داشته است؛ اول سنگ یا سنگ‌های متبرک در جانب شمالی و دیگر بقعه‌ای منسوب به یکی از سادات موسوی به نام سید احمد که در شرق قبرستان قرار داشت.

پدیدار شدن قبر سبز

در گزارش‌ها و آثار پس از تخریب قبرستان، اشاره‌ای به این مزارات وجود ندارد^۲، در حالی که طبق گفته سالمندان شهر در همین دوره هم زیارتگاهی در باغ رضوان وجود داشته است. علت این بی‌توجهی همان‌طور که مؤلف بهشت شرق می‌نویسد، قرار گرفتن سنگ مذکور در داخل یکی از حجره‌های صحن رضوان بود. همین نویسنده برای اولین بار اشاره دارد که مردم صاحب سنگ قبر سبز، واقع در گوشه شمالی زمین

۲. به عنوان نمونه نگاه شود به کتاب‌هایی که در عهد پهلوی به عنوان تاریخ آستان قدس یا راهنمای مشهد تألیف شده، مثل تاریخ آستان قدس، علی مؤتمن (۱۳۴۸ش)؛ شمس‌الشموس، کاویانیان (۱۳۵۴ش)؛ راهنمای خراسان، علی شریعتی (۱۳۴۵ش)، راهنمای شهر مشهد مقدس، زیر نظر لطف الله مفخم (۱۳۴۵ش).

قتلگاه را سید فخرالدین از احفاد امام زین العابدین دانسته‌اند.^۱ بعد از تخریب صحن رضوان، این مزار همچنان باقی ماند و چون از دل حجره‌ها بیرون آمد، مردم و نویسندگان این دوره توجه بیشتری به آن نشان داده و به عنوان یک زیارتگاه شناخته شده از آن یاد کرده‌اند؛ از جمله عزیزالله عطاردی می‌نویسد: «در شمال باغ رضوان نزدیک بازارچه حاج آقا جان، قبری هست که زائران و ساکنان مشهد در آنجا فاتحه می‌خوانند. بر اساس سنگی که بر روی قبر نهاده شده، نام او سید فخرالدین و در سال ۶۷۱ق در گذشته است و یکی از مقابر باستانی در حوزه اماکن متبرکه می‌باشد. از خصوصیات صاحب این قبر اطلاع درستی در دست نیست... به نظر نگارنده او یکی از نقیبان طوس و مشهدالرضا^{علیه السلام} بوده است. زیارتگاه را در سال‌های اخیر آیین‌کاری و تزیین کرده‌اند.»^۲

در کتاب *سیمای تاریخی- فرهنگی شهر مشهد*، با توضیح بیشتری در مورد این بقعه، آمده است:

۱. حسین موسوی (مغانی)، *بهشت شرق*، ص ۷۵.
۲. عزیزالله عطاردی، *فرهنگ خراسان*، ج ۱، ص ۳۳۸.

«قبر سبز، مقبره یکی از اعقاب و ذراری امام سجاد^{علیه السلام} است به نام سید فخرالدین، از زمره قدیمی‌ترین مقابر سادات شهر مشهد است... بعد از انقلاب اسلامی که باغ رضوان تخریب شد، مقبره باقی ماند و بنای جدیدی بر روی آن احداث گردیده است که اکنون در حاشیه بازار حاج آقا جان قرار دارد... مقبره سید فخرالدین سنگ سبز اصیلی (به ابعاد تقریبی ۳ متر طول، ۷۰ سانتیمتر عرض و ۴۰ سانتیمتر ارتفاع) دارد که زمان درگذشت و نام و نسب وی تا حضرت سجاد بر آن حک شده است. بنا بر متن سنگ، نسب وی با هیجده واسطه به امام زین العابدین می‌رسد و در ۶۷۱ق در گذشته، این مزار در زمان افشاریه به مزار میر شهرت داشته... قبر سبز توسط یکی از افراد محلی اما زیر نظر اداره اوقاف اداره می‌شود و زیارت و بازدید از آن همه وقت مقدور است.»^۳

به نظر می‌رسد عدم دسترسی این نویسندگان به لوحه اصلی باعث شده است اطلاعات موجود بر سنگی ساده نصب شده بر دیوار ساختمان نوساخته را، برای معرفی

۳. مهدی سیدی، *سیمای تاریخی- فرهنگی شهر مشهد*، ص ۸۶-۸۷.

صاحب قبر بیاورند که متأسفانه با وجود عدم مطابقت با محتوای کتیبه و مشخصات سنگ اصلی، همچنان در تمام کتاب‌ها و پایگاه‌های اطلاع رسانی مربوط به مشهد برای معرفی این زیارتگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته دیگر این که در گزارش‌های اخیر فقط از یک مکان زیارتی در محدوده قبرستان قتلگاه (باغ رضوان) یاد شده؛ در حالی که در نوشته‌های پیشین دو گونه مزار (سنگ متبرک و بقعه یکی از سادات) دیده می‌شود.

کتیبه سنگ اصلی

پس از تخریب بازارچه حاج آقا جان، قسمت عمده آن در محدوده اماکن حرم واقع شد، بنای آئینه‌کاری قبر سبز هم خراب گردید و سنگ قبر را با دیوارچینی اطراف و نصب حفاظی آهنی روی آن، در زیر سنگ فرش‌های یکدست قرار دادند. با این وجود همچنان محل آن در انتهای باغ رضوان، پشت نرده‌هایی که محدوده اماکن حرم را از کوچه بازار حاج آقا جان جدا می‌کند، قابل شناسایی است.

در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۸۸ برای خواندن متن لوحه، سنگ فرش‌های سطح برداشته

شد^۱ و کتیبه روی سنگ توسط پژوهشگران گروه تراجم و انساب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، به طور کامل بازخوانی گردید.^۲ پس از انجام پژوهشی اولیه پیرامون شخصیت معرفی شده در لوحه، بخشی از راز چند صد ساله این قبر آشکار گردید که گزارش آن در ادامه می‌آید. سنگ قبر مورد نظر بر خلاف تصور عمومی که آن را سبز می‌دانستند، در اصل سنگی خارا به رنگ خاکستری می‌باشد، اما لکه‌های ریز و درشت سبز، که در لابلای عبارات دیده می‌شود، نشان می‌دهد در گذشته تمام سطح آن با رنگی سبز پوشانده شده بود، ولی به مرور زمان این رنگ‌ها از بین رفته است. سنگ با ابعاد ۵۰/۲ × ۶۰/۰ متر، از نوع لوحه‌های تخت مستطیل شکل یکپارچه می‌باشد که تمام سطح آن با ترکیبی

۱. این کار با درخواست آقای شیخ علی لطفی زاده (فلسفی) و پیگیری‌ها و هماهنگی‌های جناب حجة الاسلام و المسلمین الهی خراسانی مدیر عامل بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی صورت گرفت.
۲. بازدید و بازخوانی متن کتیبه در تاریخ ۱۴/۳/۱۳۸۸ توسط آقایان سید حسن حسینی و اسماعیل رضایی پژوهشگران این گروه انجام شد.

از خط ثلث و نسخ زیبا کتیبه نگاری شده است. در تمام حاشیه آن به صورت نواری صلوات بر چهارده معصوم و احادیثی در رابطه با آخرت وجود دارد و در وسط آن، شجره و تاریخ تحریر کتیبه به صورت ذیل آمده است:

«الحکم لله تعالی قد نقل صاحب هذا المرقد المنور الشهيد المعظم من دار الغرور الی [دار] السورور وصل الی رحمة الله تعالی و هو عالیجاه سیادت معالی دستگاه امیر سید نظام المله و الدین علیشاه بن محمد بن مرتضی شرفشاه بن عربشاه بن جعفر المعروف بنقره کان بن فخرالدین عربشاه بن جعفر بن محمد بن حسین بن طالب بن حسین بن حسین بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن امیرک بدرالدین بن امیر اسماعیل بن فخرالدین بن شمس الدین محمد بن [قاسم] بن حمزة و هو ابن امام موسی الکاظم بن امام جعفر الصادق بن امام محمد باقر و هو ابن امام علی زین العابدین بن امام حسین بن امام علی بن ابی طالب

۱. این کلمه بر حسب سیاق جمله افزوده شد.
۲. این قسمت کتیبه به علت آسیب دیدگی، که عمدی به نظر می رسد، از بین رفته و نام قاسم بر اساس منابع انساب تکمیل شد.

صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین الطیین و الطاهرین و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً. تحریراً فی تاریخ شهر ربیع الاول سنه خمس عشر و تسعمائة من الهجرة النبویة [؟]^۳ المصطفویة.»

نام و خاندان صاحب قبر

طبق متن لوحه، نام مدفون در قبر امیر سید نظام المله و الدین علیشاه بن محمد از سادات موسوی می باشد. بنابراین نام فخرالدین که پیش از این عنوان شده صحیح نمی باشد. چنین می نماید این نام یا لقب (فخرالدین) که دو بار در جد پنجم و هفدهم شجره آمده است به جای نام مدفون همراه با تاریخ فوتی مجعول بر قطعه سنگی دیگر نوشته شده بود و به عنوان شناسنامه صاحب قبر در معرض دید عموم قرار داده بودند.

طبق این شجره، نظام الدین علیشاه به شاخه ای از فرزندان احمد الاسود بن محمد الاعرابی بن قاسم بن حمزه بن موسی الکاظم علیه السلام تعلق دارد که قدیم ترین خاندان سادات صاحب نفوذ و قدرت در منطقه

۳. این قسمت به علت شکستگی سنگ خوانا نیست.

محسوب می‌شوند و از قرن پنجم تا اوایل عهد صفویه در توس و مشهد مقدس، نقابت و ریاست داشته‌اند. البته در شجره روی سنگ، بعد از شمس الدین محمد، که طبق مشجرات معتبر باید همان محمد الاعرابی باشد، به جای احمد عنوان فخرالدین آمده ولی از آنجا که طبق همه منابع انساب و دیگر شجره نامه‌های موسویان مشهد، نسل این سادات از احمد ادامه یافته است^۱، باید فخرالدین را لقب احمد در نظر گرفت. بر اساس همین منابع، سلسله مورد نظر بعد از احمد با نسل پسر وی به نام محمد المجاور (مجدر) ادامه می‌یابد که در شجره نظام الدین علیشاه افتادگی دارد و باید اضافه شود. به نظر می‌رسد در نسل‌های بعد هم چند جابجایی صورت گرفته است که در شجره‌نامه نهایی صورت درست آن، آمده است.

طبق گفته مؤلف *شجرة المباركة*

(د. ۶۰۷ق) اولین فرد از این خاندان که در توس نقابت داشت، همان احمد الاسود بوده است^۲، اما این مطلب درست نمی‌نماید؛ چرا که نسائین پیش از وی در قرن پنجم هجری، از نواده او به نام ابو جعفر محمد بن موسی ابن احمد الاسود به عنوان نقیب توس یاد می‌کنند^۳ که تقریباً در همین قرن (پنجم) می‌زیسته است. ابن فندق بیهقی مؤلف *لباب الانساب* هم که کتاب خود را در ۵۵۸ق تألیف نموده است، بخش جداگانه‌ای را به نقب‌ای توس و مشهد از این خاندان اختصاص داده، می‌نویسد:

«نقباء طوس و مشهد الرضا عليه السلام از اولاد ابی الحسین زید بن حمزة بن محمد بن موسی بن احمد بن محمد بن قاسم بن حمزة ابن موسی الکاظم عليه السلام هستند»^۴.
در منابع قرن ششم به بعد، نام تعداد بیشتری از این خاندان به عنوان نقیب و

۲. محمد فخر رازی، *شجرة المباركة فی انساب الطالبیه*، ص ۹۶.

۳. *منتقلة الطالبیه*، ابی اسماعیل ابراهیم طباطبای، ص ۹۶؛ ابوالحسن علی عمری، *المجدی فی انساب الطالبیین*، ص ۳۱۱؛ ابوالحسن محمد عبیدلی، *تهذیب الانساب*، ص ۱۶۹.

۴. ابوالحسن علی بیهقی، *لباب الانساب*، ج ۲، ص ۵۹۴.

۱. به عنوان نمونه نگاه شود به شجره ابوجعفر محمد نقیب توس (*المجدی*)، ص ۳۱۱؛ *تهذیب الانساب*، ص ۱۶۹؛ *منتقلة الطالبیه*، ص ۲۲۱، شجره سید فخرالدین موسوی (*سراج الانساب*)، ص ۹۳، شجره غیاث الدین محمد (گنبد خشتی) و

رئیس وجود دارد.^۱

الملك بن عبدالمطلب موسوی نقیب که در عهد سلطان حسین بایقرا (۸۷۵-۹۱۱ق) در تعمیر ابنیه حرم رضوی کوشا بود.^۴ این خاندان موقعیت ویژه خود را تا پایان عصر تیموریان (۷۱۷-۹۱۶ق) حفظ کردند. یکی از آخرین آن‌ها **امیر سلطان غیاث الدین محمد بن طاهر** (م ۸۳۲ق) نقیب بود که قبر او اکنون مشهور به **گنبد خشتی** در کوچه‌ای به همین نام در شمال شرق حرم مطهر رضوی مورد زیارت عموم می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت، این خانواده که نظام الدین علیشاه هم به آن‌ها تعلق دارد، از قرن پنجم تا دهم هجری نقابت سادات، ریاست مشهد مقدس و تولیت امور حرم رضوی را عهده‌دار بودند.

هویت نظام الدین علیشاه

با جست‌وجو در منابع تاریخی و انساب دوره حیات مدفون در این قبر (قرن دهم) - حد اقل در این پژوهش اولیه - به طور مشخص نام یا شرح حال اختصاصی از وی به دست نیامد و تنها نشانه‌هایی را می‌توان برای تحقیق بیشتر ارائه داد؛ به عنوان نمونه

۴. تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۳۳۳.

به تدریج حضور و نفوذ این خانواده در توس و مشهد افزایش یافت، به‌گونه‌ای که علاوه بر نقابت، اداره حرم رضوی و موقوفات آن و گاه حکومت شهر را در اختیار داشتند؛ از جمله یکی از آن‌ها به نام سید بدرالدین، به امر غازان خان مغول نقیب رسمی سادات مشهد شد و توانست بدون کمک حکومت مرکزی و تنها با بسیج نیروهای مردمی در سال ۷۱۸ق تهاجمی را از شهر دفع نماید.^۲ همچنین نام‌هایی از این خاندان در ابنیه و سنگ قبرهای حرم رضوی و اطراف آن باقی مانده است؛ مثل سنگ قبری به تاریخ ۷۰۸ق که صاحب قبر را مرتضی بن حسن بن شرفشاه الموسوی معرفی کرده و یا امیر نظام الدین عبدالحی بن طاهر (زنده ۸۲۹ق) که سر در مسجد بالاسر حضرت را تعمیر نموده است^۳ و علاء

۱. الشجرة المباركة، ص ۹۶؛ جمال الدین احمد حسینی (ابن عنبه)، عمدة الطالب، ص ۲۸۰؛ ضامن بن شدقم حسینی، تحفة الازهار، ج ۲- ق ۲، ص ۳۲۴.

۲. غیاث الدین محمد خواند میر، تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۲۰۳.

۳. مهدی سیدی، گنبد خشتی، ص ۳۳ و ۳۷.

مؤلف *سراج الانساب* که پنجاه سال بعد از فوت علیشاه کتاب خود را نوشته است؛ یکی از افراد این خاندان به نام نظام‌الدین درویش علی بیگ را به عنوان متولی مشهد مقدس نام می‌برد،^۱ اما مشخص نیست که وی پیش از مؤلف یا در زمان او، متولی بوده است، که اگر حالت اول باشد، به احتمال نزدیک به یقین، منظور همین مدفون در قبر سبز می‌باشد.

با توجه و دقت در القابی که در معرفی علیشاه آمده است، تا حدی می‌توان به جایگاه و شخصیت او پی برد. اوصافی مثل «امیر، نظام‌الملک و الدین و معالی دستگاه» نشان دهنده جایگاه برجسته سیاسی، اجتماعی و احتمالاً علمی وی می‌باشد. عنوان دیگری که بیشتر به شناخت وی کمک می‌کند، عبارت «شهید المعظم» است که از قتل او حکایت می‌کند و به احتمال زیاد در حملات ازبکان به مشهد مقدس شهید شده است.

همزمان با حیات نظام‌الدین علیشاه، که شاهزادگان تیموری برای تصاحب قدرت

دچار درگیری‌های داخلی بودند، شیبک خان ازبک با استفاده از این فرصت در سال ۹۱۳ق به خراسان حمله نمود.^۲ وی پس از تصرف هرات، سپاهی را به فرماندهی عبیدالله خان ازبک روانه مشهد نمود. در این زمان، دو تن از پسران سلطان حسین بایقرا، در مشهد حضور داشتند. آن‌ها با شنیدن خبر لشکرکشی ازبکان برای مقابله از مشهد خارج شدند، اما از محل سنگ بست برگشته، داخل شهر منتظر مهاجمان شدند. ازبکان هم خیلی سریع به سوی مشهد مقدس حرکت کرده، با عبور از آب‌طرق با مدافعان شهر روبرو گردیدند. در جنگی که بین دو طرف رخ داد، علاوه بر شاهزادگان تیموری، بسیاری از رؤسای سپاه مشهد کشته شدند.^۳ پس از تصرف شهر، یکی از امیران ازبک به حکومت آن گمارده شد، اما در زمستان همان سال، محمد قاسم میرزا، کوچک‌ترین پسر سلطان حسین، شهر را بازپس گرفت. شیبک خان هم بار دیگر سپاهی برای تسخیر مشهد روانه نمود. جنگ

۲. اسکندر بیگ ترکمان، *عالم آرای عباسی*، ج

۱، ص ۶۱.

۳. *تاریخ حبیب‌السیر*، ج ۴، ص ۳۸۴-۳۸۶.

۱. سید احمد کیا گیلانی، *سراج الانساب*، ص ۷۶.

بین مهاجمان ازبک و مدافعان شهر «در دیوار بست» یعنی نزدیک حرم مطهر صورت گرفت و خیلی سریع بعد از قتل محمد قاسم میرزا، شهر به تصرف ازبکان درآمد. پس از آن، مهاجمان «دست تعدی برآورده، خرمن جمعیت مجاوران روضه عالی مقام را به باد غارت و تاراج دادند.»^۱

به نظر می‌رسد، نظام الدین علیشاه در یکی از همین دو جنگ یا قتل و غارت بعد از جنگ دوم به شهادت رسیده و تاریخ ۹۱۵ق که بر روی سنگ نوشته شده است، با این حوادث همزمانی کامل دارد.

سخن پایانی

در قبرستان قتلگاه که سده‌های متوالی پذیرای مدفونین مؤمنین بوده است، حجم انبوهی از مقابر با لوحه‌های بزرگ و کوچک گرد آمده که معدودی از آنها به خصوص مرقد شیخ طبرسی برای مدت طولانی شاخص و شناخته شده بود. از عهد قاجار (قرن ۱۳هـ) و شاید اواخر صفویه چند مکان متبرک و مورد زیارت در این مجموعه شکل گرفت که عبارت بودند از سنگ یا

۱. همان، ص ۳۸۹.

سنگ‌هایی که شاخصه عمده آنها رنگ سبز بود و بقعه‌ای منسوب به یکی از سادات. پس از تخریب قبرستان، سنگ‌های مورد زیارت از بین رفتند، اما خاطره و داستان‌های مربوط به آنها در ذهن عموم باقی ماند. این باورها و رنگ سبز در سال‌های بعد بر قامت سنگ قبر سید نظام الدین علیشاه که به لحاظ نفاست قابل توجه بود، پوشانده شد و به زیارتگاهی کوچک تبدیل گردید که هرچند نام واقعی وی معلوم نبود، اما به هر حال او را به عنوان یکی از ذراری امام معصوم علیه السلام می‌شناختند. اما اکنون می‌دانیم که نظام الدین علیشاه بن محمد، مدفون در این مکان، از سادات موسوی و از خانواده نقبای توس و مشهد است که در جنگ با مهاجمان ازبک در مشهد الرضا علیه السلام بین سال ۹۱۳ تا ۹۱۵ق به شهادت رسیده و تاریخ حک شده بر سنگ قبرش ربیع الاول سال ۹۱۵ق می‌باشد.

منابع

۱. اعتمادالسلطنه، محمد حسن، *مطلع الشمس*، تصحیح لیمودهی، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۸.
۲. بسطامی، نوروزعلی، *فردوس التواریخ*، چاپ سنگی، مشهد، ۱۳۱۵ق.
۳. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *تاریخ بیهق*، تصحیح احمد بهمینار، کتابفروشی فروغی.

۴. بیهقی، ابوالحسن علی بن زید، *لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۱۰ق.
۵. ترکمان منشی، اسکندر بیگ، *عالم آرای عباسی*، تصحیح اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
۶. حسینی (ابن عنبه)، جمال الدین احمد، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۳۸۳ش.
۷. خراسانی، ملا هاشم، *منتخب التواریخ*، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۸۲ق.
۸. خواند میر، غیاث الدین محمد، *تاریخ حبیب السیر*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.
۹. سفرنامه بمبئی به مشهد (خاطرات حاج داود ناصر)، ترجمه و تنظیم خانه فرهنگ جمهوری اسلامی بمبئی، نسخه فیلمتک.
۱۰. سیدی، مهدی، *سیمای تاریخی - فرهنگ شہر مشهد*، تهران، آوام و مشهد، شہرداری مشهد، ۱۳۸۲.
۱۱. سیدی، مهدی، *گنبد خشتی*، مشهد، مہبان، ۱۳۸۰.
۱۲. شریعتی، علی، *راهنمای خراسان*، انتشارات الغبا، ۱۳۴۵.
۱۳. طباطبای، ابی اسماعیل ابراهیم، *منتقلہ الطالبیہ*، تحقیق سید محمد مهدی سید حسن خراسان، نجف، انتشارات حیدریہ ۱۳۸۸ق.
۱۴. عبیدلی، ابوالحسن محمد، *تہذیب الانساب*، تحقیق محمد کاظم محمودی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۱۳ق.
۱۵. عطاردی، عزیزالله، *فرہنگ خراسان*، تهران، انتشارات عطارد، ۱۳۸۱.
۱۶. علوی سبزواری، سید محمد مهدی، *تاریخ طوس*، بغداد، چاپ سربی، ۱۳۴۶ق.
۱۷. عمری، ابوالحسن علی بن محمد، *المجدی فی انساب الطالبیین*، تحقیق دکتر احمد مهدوی دامغانی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۲۲ق.
۱۸. فخر رازی، محمد، *شجرۃ المبارکۃ فی انساب الطالبیہ*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
۱۹. قمی، قاضی احمد، *گلستان ہنر*، تصحیح احمد سہیلی خوانساری، تهران، منوچہری، ۱۳۵۱.
۲۰. کیا گیلانی، سید احمد بن محمد، *سراج الانساب*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۰۹ق.
۲۱. لاهیجانی (صدر المتألہین)، محمد، *تاریخ و جغرافیای شہر مشهد*، تصحیح محمد رضا قصابیان، مشهد، انصار، ۱۳۸۵.
۲۲. مؤتمن، علی، *تاریخ آستان قدس*، شرکت افست، مشهد، ۱۳۵۵.
۲۳. مروزی ازورقانی، اسماعیل، *الفخری فی انساب الطالبیین*، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی ۱۴۰۹ق.
۲۴. موسوی (مغانی)، حسین، *بہشت شرق*،

شجره‌نامه اصلاح شده علیشاه و خاندان نقبای موسوی مشهد مقدس

به نظر می‌رسد در شجره روی سنگ برخی نام‌ها و نسل‌ها افتاده و تعدادی تکرار یا اضافه شده است. بجز نام قاسم، که به علت آسیب دیدگی کتیبه سنگ محو شده است در چند نسل دیگر هم اصلاحاتی لازم است.

در شماره ۵ فخرالدین یک لقب است و طبق منابع انساب صحیح آن «احمد الاسود» می‌باشد و در نسل بعدی نام «محمد المجدور» افتادگی دارد. البته می‌توان نسل شماره ۶ (اسماعیل) را مستقیم به احمد الاسود (فخرالدین) وصل نمود، اما از آن‌جا که در هیچ یک از کتب معتبر انساب فرزندی به نام اسماعیل برای احمد الاسود وجود ندارد و اغلب چنین پسری را برای احمد بن محمد المجدور آورده اند باید بین شماره‌های ۵ و ۶ این دو نام (محمد المجدور و احمد) اضافه شود^۱ و در مقابل، شماره‌های ۷ و ۸ (اسماعیل و امیرک بدرالدین)، که به نظر تکرار می‌آیند، حذف شوند. از شماره ۹ (محمد) تا ۱۶ (جعفر) تقریباً در تمام مشجرات موجود از این خانواده مشترک است، البته با چند اختلاف جزئی؛ به این صورت که نام شماره ۱۲ (حسین) اغلب حسن آمده و دو شماره ۱۵ و ۱۶ ترتیب پدر و پسری بر عکس آن چیزی است که بر سنگ موجود است، یعنی شماره ۱۵ جعفر و شماره ۱۶ محمد است. از نسل شانزدهم به بعد نام‌های موجود به شجره علیشاه اختصاص دارد.

۱. نسل (محمد المجدور) از دو پسرش احمد و موسی در توس و مشهد ادامه یافته است. با توجه به این که شجره نظام الدین با شجره غیاث الدین محمد (مدفون در گنبد خشتی) و دیگرانی چون امیر سید پلا و سید فخر الدین احمد، در نسل‌های میانی شباهت‌های زیادی وجود دارد و در مشجرات مذکور، نسل از احمد بن محمد ادامه یافته است، نسب علیشاه هم به وی منتهی می‌شود.

